

کلام مرحوم آخوند درباره قسمت دوم از عبادات مکروهه

دومین قسم از عبادات مکروهه، در تقسیم‌بندی مرحوم آخوند، آن دسته بودند که در آنها نهی به ذات عبادت تعلق می‌گرفت و در عین حال آن عبادات دارای بدل بودند. مثالی که ایشان برای این نوع زده‌اند، «نماز در حمام» است. چرا که می‌توان نماز صبح را در حمام خواند و می‌توان آن را در بیرون حمام اقامه کرد (در حالیکه نماز بین نماز صبح و طلوع خورشید -قسم اول- دارای بدل نیست و نماز بعد از طلوع فجر، بدل از این نماز نیست)

مرحوم آخوند برای آنکه نهی در عبادات را در این قسم تصویر کنند (به گونه‌ای که نتواند دلیل بر جواز اجتماع امر و نهی شود) می‌نویسد:

« وأما القسم الثانی : فالنهی فیہ یمکن أن یکون لأجل ما ذکر فی القسم الأول ، طابق النعل بالنعل، كما یمکن أن یکون بسبب حصول منقصة فی الطبیعة المأمور بها، لأجل تشخصها فی هذا القسم بمشخص غیر ملائم لها، كما فی الصلاة فی الحمام ، فإن تشخصها بتشخص وقوعها فیہ ، لا یناسب کونها معراجاً ، وأنّ لم یکن نفس الکن فی الحمام بمکروه ولا حزاة فیہ أصلاً ، بل کان راجحاً ، كما لا یخفی.

وربما یحصل لها لأجل تخصصها بخصوصیة شدیدة الملاءمة معها مزیة فیها كما فی الصلاة فی المسجد والامکنة الشریفة ، وذلك لأن الطبیعة المأمور بها فی حد نفسها ، إذا كانت مع تشخص لا یکون له شدة الملاءمة ، ولا عدم الملاءمة لها مقدار من المصلحة والمزیة ، كالصلاة فی الدار مثلاً ، وتزداد تلك المزیة فیما کان تشخصها بماله شدة الملاءمة ، وتنقص فیما إذا لم تکن له ملاءمة ، ولذلك ینقص ثوابها تارةً ویزید أخرى ، ویکون النهی فیہ لحدوث نقصان فی مزیتها فیہ إرشاداً إلی ما لا نقصان فیہ من سائر الأفراد ، ویکون أكثر ثواباً منه ، ولیکن هذا مراد من قال : إن الکراهة فی العبادة بمعنی إنّها تكون أقل ثواباً ، ولا یرد علیه بلزوم اتصاف العبادة التي تكون أقل ثواباً^۱

۱. کفایة الاصول، ص ۱۶۴



توضیح:

۱. ممکن است همه آنچه در قسمت اول گفتیم را در مورد این قسم هم مطرح کنیم. (یعنی بگوییم چون ترک صلاة در حمام، مصلحت دارد - از باب انطباق یا از باب ملازمه -، لذا از آن نهی شده است)
۲. و ممکن است راه حل دیگری هم در این قسمت مطرح باشد، به این نحو که بگوییم:
۳. اگر گفتیم نماز در مسجد ۱۲۰ مصلحت و در منزل ۱۰۰ مصلحت و در حمام ۸۰ مصلحت دارد، در این صورت می‌توان گفت که نماز در حمام چون با وجودی تشخص یافته است که هم خوانی با صلاة ندارد (اگرچه نفس بودن در حمام مشکلی ندارد ولی با نماز ناسازگار است)
۴. در این صورت نهی از صلاة در حمام، نهی ارشادی است و ارشاد می‌کند به اینکه نماز را در ضمن فردی به وجود آورید که این نقصان را نداشته باشد.
۵. و کسانی که می‌گویند کراهت در عبادات به معنی «ثواب کمتر» است، مرادشان همین است مرحوم آخوند سپس می‌نویسد:

«ولا یرد علیه بلزوم اتصاف العبادۃ الّتی تكون أقلّ ثواباً من الآخری بالکراهۃ، ولزوم اتصاف ما لا مزیة فیه ولا منقصۃ بالاستحباب، لِأنّه أكثر ثواباً مما فیه المنقصۃ، لما عرفت من أن المراد من کونه أقلّ ثواباً، إنّما هو بقیاسه إلی نفس الطبیعة المتشخصۃ بما لا یحدث معه مزیة لها، ولا منقصۃ من المشخصات، وكذا کونه أكثر ثواباً. ولا یخفی أن النّهی فی هذا القسم لا یصحّ إلا للإرشاد، بخلاف القسم الأوّل، فإنّه یکون فیه مولویاً، وأنّ کان حملاً علی الإرشاد بمکان من الأمکان»^۱

توضیح:

۱. إن قلت: اگر «کمتر بودن ثواب» دلیل می‌شود که بگوییم نماز در حمام مکروه است، پس از آن جهت که روزه ثواب کمتری نسبت به صلاة دارد، باید بتوانیم بگوییم «روزه مکروه است»، در حالی که این تعبیر درباره روزه باطل است.

۱. کفایة الاصول، ص ۱۶۴



۲. و یا اگر «بیشتر بودن ثواب» دلیل می‌شود که بگوییم نماز در مسجد مستحب است، پس از آن جهت که نماز در منزل از نماز در حمام ثواب بیشتری دارد، باید بتوانیم بگوییم: «نماز در منزل مستحب است» و حال آنکه این تعبیر باطل است.

۳. قلت: [لما عرفت:] کم بودن ثواب در صورتی باعث اتصاف به کراهت می‌شود که این فرد در مقایسه با طبیعت خودش، ثواب کمتری داشته باشد (طبیعتی که در فردی تشخص یافته است که نه همراه با چیزی است که مزیت می‌آورد و نه همراه با چیزی است که منفعت ایجاد می‌کند)

۴. پس نهی (مطابق با این تصویر)، فقط ارشادی می‌تواند باشد

ما می‌گوییم:

۱. توجه شود که سخن آخر مرحوم آخوند که نهی را در این قسم، فقط ارشادی می‌دانند، بنابر آن است که توجیهی را درباره این نهی مطرح کنیم که مختص به این قسم بود. و إلا اگر به توجیهاتی که بین این قسم و قسم اول به صورت مشترک مطرح است، رجوع کنیم، می‌توان نهی را مولوی هم تصور کرد.

۲. اینکه نهی (مطابق با توجیه اختصاصی) فقط ارشادی است به این جهت است که:

«و وجه عدم صحة حمل النهی فی هذا القسم الثانی علی غیر الإرشاد هو:

أن النهی المولوی و لو تنزیهياً منوط بشبوت مفسدة فی متعلقه، أو مصلحة فی نقيضه مزاحمة لمصلحته، و هو مفقود فی المقام، لوضوح وجود المصلحة فی متعلقه، و عدم مصلحة فی نقيضه.

بخلاف القسم الأول، لوجود المصلحة فی متعلقه و فی ترکه»^۱

۱. منتهی الدراية، ج ۳، ص ۱۲۷

